

بررسی قدرت هوشمند جو بایدن در سیاست خارجی آمریکا (ابعاد و رویکردها)

پرویز احدی^۱

چکیده:

قدرت هوشمند به عنوان استراتژی به چالش کشاندن تئوری‌های قدرت سخت و نرم با مدنظر قرار دادن دکترین جوزف نای، ارنست ویلسون، به باز تعریف خود توسط جو بایدن و تیم وی به عنوان استراتژی سیاست خارجی آمریکا در راستای حفظ هژمونی آمریکا براساس دکترین نای در رابطه با رقبای جهانی و منطقه‌ای خود یعنی چین به عنوان تهدید اقتصادی، روسیه به عنوان تهدید نظامی و جمهوری اسلامی ایران به عنوان تهدید منطقه‌ای مطرح می‌شود. بر این اساس مقاله فوق تلاش دارد ضمن تعریف و تبیین قدرت هوشمند در سیاست خارجی آمریکا بویژه جو بایدن به باز تعریف آن با مد نظر قرار دادن قدرت سخت و نرم یعنی، هدف هوشمند، استراتژی هوشمند در سیاست خارجی آمریکا بپردازد. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی و استفاده از شیوه مطالعه کتابخانه‌ای، کوشیده است تا با استفاده از منابع علمی و پژوهشی معتبر به این سوال پاسخ دهد که قدرت هوشمند در سیاست خارجی جو بایدن به چه صورت است؟

واژگان کلیدی: قدرت هوشمند، بازتعریف قدرت هوشمند، استراتژی هوشمند، چهره یا سیمای

هوشمند

^۱- استادیار و عضو هیئت علمی گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل، واحد بناب، دانشگاه آزاد اسلامی بناب، ایران
parvizahdi@gmail.com

مقدمه و بیان مساله

با پایان جنگ سرد و خاتمه رقابت بلوک غرب و شرق، الگوی اصلی در سیاست خارجی آمریکا توسعه و اعمال جهانی یا هژمونی تک قطبی آمریکا بود و بر این اساس بسیاری از تئوریسین‌های محافظه‌کار معتقد بودند که آمریکا به اندازه‌ای قدرتمند است که بتواند هر تصمیمی را اتخاذ و به آن مشروعیت بخشد؛ عملیاتی که دیگران را به اطاعت از آن وادار نماید به طوری که حق انتخاب نداشته باشند آن را یک جانبه‌گرایی جدید نامید. یک جانبه‌گرایی جدید به سرعت و با سنگینی تمام جورج بوش و دولتش را حتی قبل از حوادث یازده سپتامبر تحت تأثیر قرار داد و موجب ایجاد دکترین جنگ پیشگیرانه و پیشدستانه و دمکراتیزه شدن اختیاری شد.

بایدن در دوره ریاست‌جمهوری خود تلاش خواهد کرد تا از مساله «دموکراسی» به‌عنوان یکی از ابزارها و مولفه‌های قدرت نرم آمریکا برای احیای نقش رهبری این کشور در جهان استفاده کند. در واقع دموکراسی برای بایدن ابزاری است که او برای پیشبرد اهداف خود با هدف مهار چین از آن بهره می‌جوید. (قاسمی، ۱۳۹۸: ۲۹)

اگرچه بایدن از طرفداران مداخله آمریکا در نقاط حساس جهان به شمار می‌رود؛ اما این مداخله لزوماً به مفهوم مداخله سخت و اعزام نیرو به مناطق دیگر جهان مانند افغانستان و سوریه نیست؛ بلکه آنگونه که ادعا می‌کند این مداخله باید مبتنی بر تاکتیک‌های هوشمندانه‌تر باشد. به همین دلیل است که او در مواضع متعددی که اعلان کرده تاکید دارد که مداخله نظامی همچنان روی میز؛ اما آخرین گزینه است و باید از دیپلماسی به‌عنوان اولین و مهمترین ابزار بهره جست. (صفوی-وشیخانی، ۱۳۹۷: ۳) سیاست خارجی بایدن بر افزایش سرمایه‌گذاری داخلی با هدف بازسازی ایالات‌متحده استوار است. جیک سالیوان، مشاور سابق امنیت ملی بایدن و همین‌طور جنیفر هریس، که در دوره اوباما در وزارت خارجه آمریکا فعالیت می‌کرد در یادداشتی که هفتم فوریه سال ۲۰۲۰ در نشریه فارن پالیسی با عنوان «آمریکا به یک فلسفه جدید اقتصادی نیاز دارد. متخصصان سیاست خارجی کمک کنند» افزایش سرمایه‌گذاری را به تهدید چین پیوند می‌دهند و استدلال می‌کنند که تقویت اقتصاد ملی آمریکا می‌تواند به شکل‌دهی اقتصاد جهانی منجر شود و نقش پکن در این زمینه را کمرنگ کند. براساس این دیدگاه ایالات‌متحده باید سرمایه‌گذاری گسترده‌ای در زمینه تکنولوژی، نوآوری و آموزش انجام دهد و برای تحقق این ایده باید شکاف‌های عمیق و نمایان جنسیتی و نژادی از بین برود. (ملکوئیان، ۱۳۹۷: ۳۶-۳۵)

بایدن بر «تجارت منصفانه» به جای «تجارت آزاد» تاکید دارد و می‌گوید که ۹۵ درصد مردم جهان در خارج از مرزهای این کشور زندگی می‌کنند و ایالات‌متحده می‌خواهد به بازارهای آنان

دست یابد، بنابراین باید با سرمایه‌گذاری گسترده در داخل بهترین کالاها ساخته شود. این سیاست‌مدار کهنه‌کار به صراحت می‌گوید تا زمانی که در داخل آمریکا سرمایه‌گذاری‌های گسترده انجام و این کشور بیش از گذشته تجهیز نشود، وارد هیچ توافق تجاری جدیدی نخواهد شد. (واعضی، ۱۳۹۸: ۳۸)

جو بایدن به باز تعریف آن با مدنظر قرار دادن دیگر به همراه قدرت سخت و نرم یعنی، هدف هوشمند، استراتژی هوشمند و چهره یا سیمای هوشمند به چگونگی باز تعریف قدرت فوق در سیاست خارجی آمریکا بپردازد که داشتن اطلاعات در رابطه با فشار و علت انتخاب آن در سیاست-خارجی آمریکا می‌تواند در راستای چگونگی مقابله و انتخاب استراتژی هوشمندانه برابر آن برای کشورهای چین، روسیه بویژه جمهوری اسلامی که براساس استراتژی مقاومت در سیاست خارجی در سطح جهانی و منطقه‌ای بصورت موفق عمل نموده سودمند باشد. پژوهش حاضر با بهره-گیری از روش توصیفی-تحلیلی و استفاده از شیوه مطالعه کتابخانه‌ای، کوشیده است تا با استفاده از منابع علمی و پژوهشی معتبر به این سؤال پاسخ دهد که قدرت هوشمند در سیاست خارجی جو بایدن به چه صورت است؟ و به ارزیابی و تحلیل نظریه نای بپردازد. (هیل، ۱۳۹۳: ۲۳۵)

مبانی نظری

سازه انگاری

با عنایت به تاکید تئوری سازنده‌انگاری بر قوام‌بخشی ساختار و کارگزار و متغیید بودن منافع ملی دولتها از نظر تئوری فوق، تئوری سازه‌انگاری دولتی را در سیستم بین‌الملل هرج و مرج گونه و سلسله مراتبی قربانی فشار مورد تاکید نداشته معتقد است که دولتها برای برون رفت از بحران و فشار-های سیستم‌تیک بین‌المللی به صورت آگاهانه یا ناآگاهانه در راستای تامین منافع ملی خود اقدام به ایجاد و اتخاذ استراتژی خاصی می‌نمایند. از نقطه نظر اندیشمندان روابط بین‌الملل سیاست خارجی عبارت است از استراتژی یا رهیافتی که دولت برای رسیدن به اهداف آرمانی‌اش در روابط خود با موجودیت خارجی یا سایر بازیگران انتخاب و استراتژی سیاست خارجه منافع و چگونگی دستیابی به آن را تعریف و باز تعریف می‌نماید. (Gukmen,2010:122)

سازی‌انگاری و انواع آن با عنایت بر ساخته اجتماعی بودن واقعیت به قوام‌بخشی ساختار و کارگزار به صورت دوجانبه و تاکید بر عوامل غیرمادی و فرهنگی در تبیین هویت، منافع ملی و سیاست خارجی دولتها معتقدند گرچه فشار سیستم‌تیک حاکمیت و قدرت دولتها را تضعیف می-نماید اما قوام‌بخشی ساختار و کارگزار و اعطای حق انتخاب به کارگزار یعنی دولت از منظر تئوری فوق، دولتهای مستقل را به بازتولید و بازتعریف خود و منافع ملی خود می‌نماید بدین ترتیب به

دولتها براساس حق انتخاب کارگزاری مجوز مقاومت (استراتژی مقاومت جمهوری سلامی ایران) در برابر فشارهای فرامرزی و منطقه‌ای و بین‌المللی داده می‌شد. (نصری، ۱۳۸۶: ۱۳) بطوری که الکساندر ونت معتقد است:

انسان‌ها به سازمان‌های مدنظر آنها بازیگرانی هستند که عملکرد یا کنش آنها توسط نیروهای جامعه داخلی و جهانی که در آن به سر می‌برند و بازتولید می‌شوند. جامعه جهانی و داخلی از روابط اجتماعی ایجاد می‌شود که تعامل بین این بازیگران هدفمند را ساختار بندی می‌کند بدین ترتیب زندگی اجتماعی شامل دو مولفه حقیقی و بدیهی که بر اساس آن دولتها بازیگران هدفمند تلقی می‌شوند که به نظام جهانی که در درون آن قرار گرفته‌اند شکل داده و آن را مشخص و برعکس نظام جهانی (ساختار مادی و فرهنگی) نیز به دولتها و کنش آنها شکل می‌دهد. بنابراین منطق جمعی ساختار جهانی (مادی و فرهنگی) تنها به به صورت تعدیل یا مانع عمل نموده بلکه به صورت فرصت نیز عمل می‌نماید.

بر این اساس دولت‌ها به عنوان قربانیان ساختار تلقی نشده و با عنایت به قدرت کارگذاری توانایی طراحی، ایجاد و کار بست استراتژی مختلف را جهت کسب منافع ملی و ارتقاء حرکت منطقه‌ای و بین‌المللی خود خواهند داشت در صورتی که سایر تئوری‌های روابط بین‌الملل نئورئالیسم‌ها و نئولیبرال‌ها و تئوری‌های رادیکال حتی تئوری رئالیسم علمی و کوانتوم نیز قدرت کارگزاری برای دولت نبوده و قدرتی را محرکه اقتصادی می‌داند تا حق انتخاب. (Adler, 2005: 155)

بنابراین، دولتی می‌تواند بر اساس تئوری فوق ضمن توجه به درون در معماری جهانی با ایجاد موقعیت فضایی مناسب و با اتخاذ استراتژی‌های هوشمند ایفای نقش نمایند. بر این اساس دولت با عنایت به فرهنگ استراتژیک که دارای دو بعد سخت و نرم و تلفیق آنها و ادراک رهبران خود کنش‌های (actions) نظیر سیاست خارجی، جهانی شدن، دموکراتیزه شدن و اتخاذ و طراحی استراتژی اتخاذ می‌نمایند. بر این اساس از نقطه نظر سازه‌انگاری سیاست خارجی، استراتژی و چیزی که دولتها آن را می‌سازند. Valeriem hudson معتقد است سیاست خارجی عبارت است از استراتژی یا رهیافتی که دولتها رسیدن به اهداف آرمانی خود در روابط با دولتهای دیگر انتخاب می‌نماید. (بنگرید به Wendt, 1992)

Bruccw jenteson استراتژی سیاست خارجی را منافع ملی و چگونگی رسیدن به آن دانسته و سیاست و سیاست‌گذاری خارجی را عبارت از نهادها و بازیگرانی می‌داند که در درون سیستم سیاسی نقش اساسی ایفا نموده و دارای نفوذ هستند در بر این اساس ایجاد استراتژی در سیاست خارجی را انتخاب نامیده و از اصل رسیدن به اهداف تلقی می‌کند بر این اساس از نقطه نظر سازه-

انگاری، استراتژی چیزی است که دولتها جهت حفظ و کسب منافع ملی و ارتقاء بین‌المللی می‌سازند.

(Gukmen,2010:32) صرف نظر از نقطه‌نظرات تئوری‌های روابط بین‌الملل در رابطه با اتخاذ استراتژی و حتی انتخاب مانند رئالیست‌ها با مرتبط دانستن میزان قدرت دولت باید انتخاب یعنی هرچه دولت ضعیف‌تر باشد انتخاب کمتری خواهد داشت زیرا که او نداد سیاست خارجی دولت بیشتر وابسته به موانع خارجی بوده و در صدد است توانمند نبودن موانع خارجی دولت از حق کارگزاری بیشتری یعنی حق انتخاب برخوردار خواهد بود. (ملکوتیان، ۱۳۹۶: ۴۱) در مقابل سازه‌انگاران ادراک دولتها و قدرت کارگذاری آنها استراتژی را می‌داند. بر این اساس از نظر کارگزاران اهداف، همراه با ایده‌های مطرح در رابطه با استراتژی‌ها و نسبی قدرت سیاست خارجی دولت را کند به عبارت دیگر در ایده‌های جمعی، ایده‌های مطرح در رابطه با استراتژی منافع ملی برون داد سیاست خارجی و استراتژی جهت به آن را و استراتژی برخلاف نقطه نظر واقع‌گرایان بوده و براساس فوق استراتژی تعریف و باز تعریف خواهد شد. از آنجایی که استراتژی محور اصلی برون داد سیاست خارجی دولتها در راستای تامین منافع ملی بوده و از نقطه نظر سازه‌انگاری استراتژی که دولتها آنها را می‌سازند. استراتژی را برتر از سایر ابزارها دانسته و برتری یا هم‌مونی و البته به استراتژی و منابع آن است و آن را درک صحیح از عوامل برتری دهنده دولت و توانایی آن در راستای به کار گیری سریعتر از طرف مقابل می‌داند. (Adler,2005:78-79)

به‌طور کلی کارسخت صرف در دوران ریاست جمهوری بوش پسر موانع ساختاری ایجاد در سطح بین‌المللی و نارضایتی رهبران دولتها به ویژه متحدین و رقبای آمریکا از سیاست خارجی بوش و کاهش نفوذ آمریکا به عنوان ابر قدرت جهت، واکنش جهانیان به پدیده جهانی شدن، انزوای آمریکا، عدم کفایت آمریکا در رهبری جهانی و کم‌رنگ شدن ائتلاف اروپایی‌ها با آمریکا. (Ruggie,1998:4) وی معتقد است هوش محیطی یا متنی به بازیگر یا دولت توانایی ترکیب منابع سخت و نرم برای رسیدن به استراتژی قدرت هوشمند را داده. از آنجایی که در سیاست خارجی، هوش محیطی عبارت است از یکی از شاخه‌های مهارت شهودی که به سیاست‌گذار قدرت هماهنگ کردن یا هم‌ردیف کردند یا اهداف کوتاه مدت برای ایجاد استراتژی قدرت هوشمند در هر موقعیتی را می‌دهد؛ برخلاف معمول بر قدرت سخت تأکید دارد و نتولیب‌الیزم نرم یعنی عناصر غیر ملموس قدرت تأکیدی می‌ورزد. (ریس‌کاپن، ۱۳۸۵: ۴۵۶) تئوری سازه‌انگاری با مدنظر قرار دادن ترکیب سخت نرم یعنی بازتعریف قدرت سخت با مدنظر قرار دادن مولفه‌های فکری و فرهنگی کنش لازم درسیاست خارجی را در راستای برون از فشار سیستمیک و چالش‌های ایجاد شده توسط آن را در قالب استراتژی قدرت

استراتژی هوشمند سیاست خارجی جو بایدن

گرچه ترامپ تلاش نمود در موارد دیگر مذاکره با کره شمالی و جمهوری اسلامی ایران به نوعی دکترین اوباما را یعنی قدرت هوشمند را احیاء نماید اما شخصیت غیرقابل توجیه ترامپ، عدم اعتماد، قدرت سخت صرف نظر تحریمی و فشار حداکثری و شهادت سردار سلیمانی و عدم هوشمندی وی یعنی نداشتن هوش محیطی یا متنی سیاست خارجی وی را در بعد داخلی و خارجی با عدم مشروعیت و نارضایتی و ناکامی روبرو کرد. (خلیلی و دیگران، ۱۳۹۲: ۵۷)

زیرا که ترامپ قدرت سخت و کاربرد آن را ضروری جذاب و بازدارنده می دانست. بنا بر این آمریکا در دوران جو بایدن به دنبال بازتعریف و کارآمد کردن استراتژیک قدرت آمریکا با ترکیب قدرت نظامی و دیپلماسی استراتژیک است. ترامپ قدرت سخت و کاربست آن را ضروری و جذاب اما بازدارنده می دانست. اولویت بین المللی وی نه تنها تجارت و مسائل اقتصادی بود بلکه چالش های قدرت نظامی آمریکا بود. (صفوی و شیخیانی، ۱۳۹۷: ۴)

قدرت هوشمند نیازمند بازتعریف در سیاست خارجی آمریکا در دوران بایدن این است که جنبه جدید قدرت هوشمند را برای دوران فوق و در راستای بازتعریف آن مدنظر قرار می دهد:

۱- Smart target

۲- Smart strategs

۳- Smart pace (سیمای هوشمند)

این سه مولفه به ترکیب قدرت سخت و نرم بر اساس تئوری سازه انگاری در راستای ایجاد استراتژی قدرت هوشمند می انجامد. بنابراین با مدنظر قرار دادن نقطه نظرات فوق بازتعریف قدرت هوشمند شامل پنج بعد یا مولفه است:

۱- قدرت سخت: شامل فشار سیاسی و تحریم های اقتصادی یا کاربست قدرت نظامی که هدف آن غلبه بر دشمن است.

۲- قدرت نرم: کاربست منبع غیرملموس قدرت نفوذ که رقبا را تضعیف می نماید، ارزش ها و گفت و گوی دیپلماسی شامل این بعد از قدرت است.

۳- هدف هوشمند: کاربست قدرت سخت نیازمند هدف هوشمند است. هدف زمانی هوشمند است که واقعی باشد در صورتی که هدف غیر واقعی باشد نتیجه تمرکز زیاد بر قدرت سخت و

نرم را به همراه خواهد داشت. بر این اساس در مرحله نخست عملیات‌های نظامی اقتصاد را از بین خواهد برد آن را با تورم و رکود مواجه خواهد کرد و در مرحله دوم دیپلماسی شکست خورده و کاربست قدرت نظامی جایگزین آن خواهد شد. (عزتی، ۱۳۹۶: ۱۶)

متغیرهای تأثیرگذار بر سیاست برجامی دولت بایدن

- جایگاه برجام در سلسله مراتب اولویت‌های دولت جدید آمریکا:

هرچند موضوع ایران و بطور مشخص برجام یکی از دستورکارهای اصلی بایدن و تیم سیاست خارجی وی به شمار می‌رود، لیکن تأمل در مرامنامه (مانیفست) حزب دموکرات و با در نظر گرفتن اوضاع نه چندان مناسب اقتصادی و اجتماعی این کشور (به واسطه همه‌گیری کرونا) و همچنین تحلیل محتوای کیفی مواضع و دیدگاه‌های رئیس جمهور جدید بیانگر این است؛ حداقل در دو سال آینده حل و فصل مشکلات و نابسامانی‌های داخلی بخش عمده دستورکارهای اصلی دولت جدید این کشور را به خود اختصاص خواهند داد، لذا در بهترین حالت حداکثر ۴۰٪ از وقت، انرژی و تمرکز فکری شخص رئیس جمهور و تیم امنیت ملی وی به امور سیاست خارجی معطوف خواهد شد. در سیاست خارجی نیز، مدیریت چالش آفرینی چین برای آمریکا در عرصه جهانی و بویژه شرق آسیا، بازسازی اعتبار و نقش جهانی آمریکا در سیاست و روابط بین‌الملل، اصلاح همگرایی فرآتلانتیک، تنظیم مجدد روابط با روسیه و متحدان سنتی از مهمترین موضوعات سیاست خارجی این کشور خواهند بود. (هیل، ۱۳۹۷: ۶۹) بر این اساس، تصوّر بر این است موضوع برجام در رأس اولویت‌های فوری و حیاتی آمریکا قرار ندارد تا دولت جدید این کشور بخواهد با فوریت، تسریع زمانی و جدیت به آن ورود نماید. (حکمت نیا، ۱۳۹۸: ۱۰۰)

- نوع نگاه حزب دموکرات به گزینه «تحریم» در سیاست خارجی بایدن

تحلیل الگوی رفتاری دولت‌های دموکرات در سیاست خارجی آمریکا طی دهه‌های گذشته مؤید این است که؛ برخلاف حزب جمهوریخواه و بویژه دونالد ترامپ که طی چهار سال گذشته «تحریم» را تبدیل به «هدف» در سیاست خارجی آمریکا نمود، لیکن نزد دموکرات‌ها و خصوصاً دولت بایدن «تحریم» به مثابه «ابزاری» جهت نیل به اهداف سیاست خارجی قلمداد می‌شود؛ نگاه ابزاری دموکرات‌ها به گزینه تحریم و وجود زیرساخت‌های متعدد تحریمی آمریکا علیه ایران ایجاب می‌کند تا دولت جدید آن کشور در مواجهه با ایران این ابزار سیاستی را از دستور کار خود خارج ننماید. لذا، بار دیگر سیاست «هویج و چماق» در دیپلماسی این کشور برجسته خواهد بود. (مینایی، ۱۳۹۵: ۸۲۳-۸۲۴)

سیاست خارجی دولت بایدن در قبال خاورمیانه

خاورمیانه با تغییرات پرآشوبی روبرو است و بدون تردید پیروزی بایدن نشان می‌دهد که تغییرات مشخصی در رویکرد واشنگتن درباره تنش‌های منطقه‌ای رخ خواهد داد.

پیروزی "جو بایدن" از حزب دموکرات در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در شرایط سخت خاورمیانه صورت گرفته است. خاورمیانه با تغییرات پرآشوبی روبرو است و بدون تردید پیروزی او نشان می‌دهد که تغییرات مشخصی در رویکرد واشنگتن درباره تنش‌های منطقه‌ای رخ خواهد داد. در بخش دیگری از این گزارش آمده است: بایدن احتمالاً در سیاست خاورمیانه‌ای خود بر روی حمایت از منافع آمریکا و هماهنگی با هم‌پیمانان واشنگتن تمرکز کند و سوریه، عراق و یمن از جمله مسائل تاثیرگذار در آینده روابط ایران و آمریکا خواهد بود. (صفوی و شیخیانی، ۱۳۹۷: ۴)

- بایدن در مسیر بازگشت به توافق هسته‌ای

اظهارات اخیر بایدن نشان می‌دهد که احتمال دارد او درباره برخی مسائل منطقه خاورمیانه شیوه جدیدی را در پیش گیرد. او هشدار داده است که سیاست «فشار حداکثری» دولت ترامپ سبب شده است که اصولگرایان دست برتر را داشته باشند و برای به دست گرفتن دولت آینده ایران تلاش کنند. بایدن متعهد شده است در صورتی که ایران به طور کامل به بندهای توافق هسته‌ای پایبند باشد، آمریکا بار دیگر به توافق هسته‌ای باز خواهد گشت. تحریم‌هایی که دولت ترامپ علیه ایران وضع کرده سبب شده است بایدن در مسیر بازگشت به توافق هسته‌ای با سختی‌هایی روبرو شود. از این‌رو، بایدن از رویدادها پیشی گرفته و گفته است هرگونه تعامل با ایران بر پایه پایبندی تعهدات واشنگتن به هم‌پیمانان منطقه‌ای خود خواهد بود. (اتوتایل و دیگران، ۱۳۹۸: ۲۴۱)

- تغییرهای احتمالی در سیاست بایدن

سیاست بایدن در منطقه درباره برنامه هسته‌ای ایران در روش و ابزارهای با سیاست ترامپ تفاوت خواهد داشت. شماری از مشاوران بایدن هم گفته‌اند که دولت آینده آمریکا شیوه‌های مشخصی را در دستور کار قرار خواهد داد. «آنتونی بلینکن» مشاور بلندپایه بایدن در روابط خارجی از شیوه ترامپ درباره ایران انتقاد کرده است. او گفته است روابط آمریکا با ایران اکنون در مقایسه با گذشته بسیار بدتر شده است. او درباره ماهیت رویکرد احتمالی بایدن درباره ایران گفته است: "بایدن در رویکرد دیپلماسی خود با هم‌پیمانان آمریکا هماهنگ خواهد بود". (اتوتایل و دیگران، ۱۳۹۸: ۲۴۴)

در این زمینه «جیک سالیوان» که سمت مشاور امنیت ملی بایدن در دوره «اوباما» را بر عهده

داشت و در مذاکرات درباره موضوع هسته‌ای ایران نقش‌آفرین بود معتقد است: "سیاست خارجی آمریکا در خلیج فارس از طریق مذاکره با هم‌پیمانان منطقه‌ای آمریکا فراگیرتر خواهد بود. واشنگتن باید بر روی پرونده هسته‌ای ایران و مذاکره درباره آن تمرکز کند و روند مذاکره در سطح منطقه را تسهیل کند تا بازیگران منطقه‌ای هم بتوانند در آن نقش‌آفرین باشند". (مولایی، ۱۳۹۶: ۱۹۶)

سوریه یکی از مهمترین هم‌پیمانان ایران در منطقه است. بایدن به طور آشکار در مناسبت‌های مختلف از نظام سوریه و «بشار اسد» رئیس‌جمهوری این کشور انتقاد کرده است. با وجود همه این مسائل هنوز هم مشخص نیست که دولت بایدن در سایه تنش‌های روبه‌رشد با ترکیه در سوریه دقیقاً چه سیاستی را در پیش خواهد گرفت.

عراق هم منبع نگرانی بایدن است. او به دلیل اینکه درباره مواضع خود درباره عراق با انتقادهایی از سوی حزب جمهوریخواه و دموکرات روبرو شد، رنج برده است. در شرایط کنونی گزینه نخست و مهم بایدن تعامل با دولت کنونی عراق خواهد بود. او به کاهش نیروهای نظامی آمریکا در عراق تمرکز خواهد کرد. اما گزینه عقب‌نشینی فراگیر را کنار خواهد گذاشت. همچنین بایدن بر اهمیت نظام‌های کارآمد و دولت‌سازی برای پایان دادن به تنش‌ها و جنگ‌ها در منطقه تاکید کرده است. اما نفوذ ایران در عراق مایه نگرانی وی خواهد بود. تظاهراتی که در عراق در مخالفت با دخالت خارجی در این کشور صورت گرفته است بر چالش‌های بایدن برای رویارویی با نفوذ ایران و حمایت از دولت مستقر عراق خواهد افزود. (حکمت نیا، ۱۳۹۲: ۱۰۱)

- لبنان در راس اولویت‌های واشنگتن نیست

حضور حزب الله در منطقه در نتیجه سیاست‌های آینده ایران و آمریکا با نقطه عطفی روبرو خواهد شد. لبنان همواره با بی‌ثباتی سیاسی و رکود اقتصادی روبرو است و این موضوع به ویژه پس از انفجار سنگین بندر بیروت وضعیت این کشور را در شرایط ناگواری قرار داده است. بایدن پس از انفجار بندر بیروت با مردم لبنان ابراز همدردی کرده است. پیش‌بینی می‌شود وی «سعد الحریری» و دولت وی را زیر فشار قرار دهد تا اصلاحات متناسب با کشور را در دستور کار قرار دهند. زیرا لبنان در راس اولویت‌های واشنگتن نیست. از این رو، دولت بایدن منتظر خواهد ماند تا طرح دولت جدید لبنان را ارزیابی کند. (حکمت نیا، ۱۳۹۸: ۹۷)

- بازنگری نقش آمریکا در یمن

بایدن گفته است برای پایان دادن به جنگ یمن نقش آمریکا در یمن را مورد بازنگری قرار خواهد داد. با وجود اینکه بایدن پیش از این از اهمیت بازنگری در موضع آمریکا در حمایت از عربستان و هم‌پیمانان آن در جنگ یمن سخن به میان آورده است بازهم اینگونه گمانه‌زنی می‌شود که بایدن

بدون مشورت ریاض و هم‌پیمانان آن در منطقه وارد پرونده یمن نشود. این موضوعی است که آمریکا، کشورهای اروپایی و عربستان بر روی آن اتفاق نظر دارند. (خلیلی و دیگران، ۱۳۹۲: ۲۴)

- تجربه اثرگذاری تحریم بر رفتار بازیگران جهان در تعامل با ایران در عصرپسا ترامپ

برخلاف کیفیت اعمال تحریم‌های قبلی آمریکا و حتی تحریم‌های سازمان ملل علیه ج.ا.ایران (به واسطه قطعنامه‌های ضدایرانی) که فضا و روزه‌های متعدد برای دور زدن تحریم‌ها از سوی ایران و گریز ناقضین تحریم وجود داشت، پس از خروج دولت ترامپ از برجام و با عملیاتی شدن تحریم‌های همه جانبه و به واسطه ورود جدی نهادهای اجرایی و نظارتی تحریمی آمریکا جهت اجرایی شدن آنها، تقریباً برای اولین بار کلیه بازیگران دولتی و غیردولتی در جهان تحت تأثیر سیاست فشار حداکثری و تحریم‌های آمریکا قرار گرفتند و نگرانی از تحریم موجب تغییر معنادار رفتار آنها نسبت به ج.ا.ایران گردید. در شرایط جدید نیز تجربه کیفیت اعمال تحریم و برجا بودن زیرساخت‌های تحریمی متعدد علیه ایران موجب می‌گردد تا کیفیت اجرای برجام و بازه زمانی عادی شدن تعاملات بازیگران اقتصادی، مالی، تجاری و انرژی با ایران تحت تأثیر الگوی رفتاری دولت جدید آمریکا قرار گیرد. (خلیلی و دیگران، ۱۳۹۲: ۴۳)

- نقش متحدان منطقه‌ای آمریکا در جنوب غرب آسیا در دوران پسا ترامپ

ضرورت «حمایت از متحدان سنتی» در مناطق راهبردی جهان یکی از اصول ثابت سیاست خارجی آمریکا قلمداد می‌شود که به نوعی تبدیل به «سیاست دو حزبی» این کشور گردیده است، البته کیفیت، نوع و ابزارهای حمایت از این متحدان در دوره‌های زمانی مختلف متأثر از اولویت‌ها و منافع امنیت ملی آن کشور متفاوت بوده است. تجربه چهار دهه گذشته نشان می‌دهد که جنوب غرب آسیا یکی از مناطق راهبردی مورد نظر آمریکا به شمار می‌رود و در رقابت با سایر قدرت‌های جهانی و همچنین جهت تأمین منافع سیاسی - امنیتی، ژئوپلیتیکی و اقتصادی خود اقدام به انتخاب متحدان راهبردی در برابر رقبا و دشمنان در این منطقه نموده است. مقید بودن به حفظ موجودیت و امنیت وجودی رژیم صهیونیستی مهمترین منافع سیاسی و دفاعی - امنیتی آمریکا در جنوب غرب آسیا می‌باشد که دولت‌های مختلف در واشنگتن تحت شرایط مختلف ملزم به رعایت آن می‌باشند که گریزی از آن وجود ندارد. (Jones, 2019: 122)

- رویکرد غالب در سیاست خارجی دولت بایدن

به طور کلی، اولویت دادن به چندجانبه‌گرایی و ائتلاف راهبردی با متحدان از اصول اساسی حزب دموکرات در سیاست خارجی آمریکا می‌باشد. تعهد عملی به این رویکرد در خصوص موضوعات اساسی و مشترک با دولت‌های متحد بیش از هر موضوع دیگری برای دموکرات‌ها اهمیت دارد. تحقیقاً

نحوه برخورد با ج.ا.ایران یکی از موضوعات اجماعی میان دولت بایدن با متحدان اروپایی (خصوصاً آلمان، فرانسه و انگلستان) به شمار می‌رود، لذا مسیر بازگشت آمریکا به برجام با حداکثر توافق فرا-آتلانتیک و شاید هماهنگی نسبی با چین و روسیه صورت خواهد گرفت. بنابراین، اگر یکجانبه-گرایی ترامپ در گذشته در خصوص ایران موجب جدایی دو سوی آتلانتیک و اختلاف نظر جدی آن کشور با روسیه و چین گردید، تصوّر بر این است با غلبه چندجانبه‌گرایی و ائتلاف با متحدان بر سیاست خارجی بایدن و مواضع مشترک متحدان اروپایی با دولت بایدن در خصوص نحوه مواجهه با ج.ا.ایران، هزینه‌های اقدام آمریکا علیه ایران برای آن کشور محدودتر و با دامنه اثرگذاری بیشتر باشد.

الگوهای رفتاری بازگشت بایدن به برجام و احتمال عملیاتی شدن آنها

- بازگشت مستقیم آمریکا به برجام؛ احیای برجام اولیه

محور ثقل این الگوی رفتاری، بازگشت سریع و مستقیم (بدون مذاکره) آمریکا به برجام و عملیاتی شدن کلیه تعهدات برجامی آن کشور در کمترین زمان ممکن است. براساس این الگوی رفتاری که مبنای اصلی شکل دادن به ادراک افکار عمومی و حتی برخی مراجع سیاستگذاری در ایران از «بازگشت آمریکا به برجام» را شکل می‌دهد، از آنجا که خروج آمریکا از برجام از طریق فرمان‌های اجرایی رئیس جمهور سابق (ترامپ) صورت پذیرفت و با توجه به اینکه بازگشت این کشور به برجام یکی از دستور کارهای اصلی و در رأس اولویت‌های سیاست خارجی این کشور تعریف می‌شود. لذا فرمان‌های اجرایی لازم جهت لغو تحریم‌های ترامپ توسط وزارت خارجه آن کشور تهیه و با امضاء آنها از سوی رئیس جمهور بازگشت به برجام عملی خواهد شد. (شفیعی، ۱۳۹۸: ۱۴۵) در واقع، با اتخاذ عمل متقابل توسط رئیس جمهور جدید، آمریکا به برجام باز خواهد گشت و فرایند حذف چالش‌های پیش‌روی برجام آغاز و نتایج عملی بازگشت نیز در مدت کوتاهی به ثمر خواهد نشست. (Jones, 2019:2) بنابراین، این الگوی انتظاری، بازگشت آمریکا به برجام را اقدامی صرفاً شکلی و بدون نیاز به هرگونه مذاکره دو یا چندجانبه در خصوص نحوه و فرایند بازگشت قلمداد می‌کند و بر همین اساس این اقدام را سهل و آسان تصور می‌کند. (حکمت نیا، ۱۳۹۸: ۱۰۰)

- بازگشت اسمی آمریکا به برجام و لغو نسبی تحریم‌ها با هدف ترمیم برجام

در این الگوی رفتاری، تصوّر بر این است؛ پس از تشکیل دولت جدید و استقرار تیم سیاست خارجی وی، با صدور فرامین اجرایی لازم توسط بایدن، لغو نسبی برخی تحریم‌ها (نظیر معاف نمودن موقت خرید نفت و گاز از سوی برخی کشورها، انتقال محدود دارای‌های بلوکه شده ایران در خارج، صدور موردی مجوز تبادلات بانکی، لغو ممنوعیت سفر ایرانیان با آمریکا، صدور مجوز مراودات مرتبط با غذا و

دارو و ... در دستور کار قرار آمریکا خواهد گرفت و از این طریق بازگشتی اسمی به برجام اعلام خواهد شد. لیکن این اقدامات با هدف فراهم نمودن زمینه و ایجاد انگیزه‌های سیاسی لازم در طرف مقابل (ایران) برای آغاز مذاکرات جدید برجامی با هدف ترمیم این توافق صورت خواهد گرفت. (خلیلی و دیگران، ۱۳۹۲: ۴۴-۴۱) در این الگوی رفتاری، آمریکا اعلامیه بازگشت به برجام را صادر خواهد نمود، لیکن نتیجه عینی این الگوی رفتاری به معنای بازگشت عملیاتی و کامل آمریکا به برجام نخواهد بود، بلکه در کنار اقدامات تخفیف کننده تحریم‌ها، مذاکرات برجامی (بدون عبور از ماهیت هسته‌ای توافق) را طرح خواهد کرد و همزمان با پیشرفت مذاکرات شاهد گشایش‌های بیشتر در لغو تحریم‌ها خواهیم بود. (صفوی و شیخیانی، ۱۳۹۷: ۶)

ماهیت این الگوی رفتاری متناظر با نگاه حداقلی به برجام در آمریکا است، زیرا همچنان برخی از جامعه نخبگانی و معدودی از لایه‌های سیاست‌گذاری در حزب دمکرات آمریکا قائل بر این هستند که موضوع انرژی هسته‌ای نقطه ثقل توافق نامه برجام می‌باشد و هر گونه تلاش برای توسعه ماهوی آن جهت حل و فصل همه مشکلات مرتبط با ایران (موشکی، رفتار منطقه‌ای، حقوق بشر و ...) امکانپذیر نمی‌باشد. لیکن تصوّر بر این است، کارگزاران جدید حزب دموکرات در کاخ سفید با تجربه اندوزی از الگوی رفتاری دولت اوباما که قائل به رویکرد گام به گام در مواجهه با مسائل مختلف ایران بود و با کسب بازخوردهای برجام در داخل و خارج از آمریکا، هم اکنون بر این نکته وقوف یافته‌اند که برجام حداقلی تأمین کننده منافع بلند مدت این کشور و متحدانش نخواهد بود. (Gukmen, 2017: 119): لذا تصوّر بر این است که دولت بایدن ترمیم برجام و تقویت عناصر ذاتی این سند را دنبال نخواهد کرد و اساساً آن را هدف اصلی بازگشت به برجام قرار نداده و اقدامات دولت وی در مسیر تقویت برجام قرار نخواهد گرفت. (Gokcan and Guney, 2016: 33-34)

- بازگشت مشروط به برجام و آغاز مذاکرات فرابرجامی جهت حصول توافق جدید

در این الگوی رفتاری احتمالی که ممکن است به صورت غیراعلامی آن را دنبال کند، آمریکا با در نظر گرفتن واقعیات موجود در اثرگذاری تحریم‌ها علیه ایران و با مفروض گرفتن اتفاق نظر و هماهنگی کامل متحدان اروپایی (آلمان، فرانسه و انگلستان) در خصوص ضرورت طرح موضوعات فرابرجامی و مقاومت غیرفعال روسیه و چین در خصوص حصول به یک توافق جدید با ایران، با توسل به چندجانبه‌گرایی و بین‌المللی نمودن مجدد موضوع ایران، ضمن صدور اعلامیه سیاسی بازگشت به برجام و دعوت ایران به مذاکرات، جهت نشان دادن حُسن نیت، ابتدا توقف مشروط اجرای برخی از تحریم‌های اعمالی ترامپ را متناظر با نحوه بازگشت ایران به تعهدات برجامی در دستور کار قرار خواهد داد. (تمنا، ۱۳۹۷: ۱۰۳-۱۰۱) نقطه ثقل اصلی ایران الگو، عضویت مجدد

آمریکا در برجام جهت استفاده از ظرفیت‌های این توافق جهت کشاندن پای ایران به مذاکرات فر-ا برجامی است. (واعظی و باقری، ۱۳۹۸: ۱۳۹)

تحلیل محتوای مواضع بایدن طی ماه‌های اخیر و تجربه حرفه‌ای تیم سیاست خارجی وی (بخصوص آنتونی بلینکن) و همچنین مواضع مشترک و واحد این کشور با طرف‌های اروپایی بیانگر این واقعیت است که به احتمال بسیار زیاد، بازگشت مشروط آمریکا به برجام جهت حصول به توافق جدید فرا-برجامی محتمل‌ترین الگوی رفتاری دولت جدید این کشور در مواجهه با ایران طی سال‌های آینده خواهد بود. از آنجا که نیت پنهانی آمریکا در این الگوی رفتاری در آینده منجر به بروز پیامدهای خطرناک دفاعی و امنیتی علیه ج.ا.ایران خواهد شد، لذا مذاکرات بازگشت به برجام دامنه دار، پر تنش و در نهایت نافرجام خواهد شد. (بلوجی، ۱۳۹۶: ۷۶-۷۵) زیرا، تقابل خواسته‌های متفاوت دو بازیگر اصلی برجام (ایران و آمریکا) موجب بی‌نتیجه ماندن مذاکرات و تداوم استفاده ابزاری دولت بایدن از گزینه تحریم علیه کشورمان در چهار سال آینده خواهد شد. بنابراین، ایجاد این انتظار که بازگشت دولت جدید آمریکا به برجام بسیار سهل، سریع و بدون حواشی خواهد بود و نتیجه این اقدام منجر به عادی شدن روند اجرای توافق هسته‌ای و عواید ناشی از آن خواهد شد، سنخیت چندانی با واقعیات موجود در ذهنیت هسته مرکزی سیاست برجامی آمریکا نسبت به برجام ندارد. (احمدی، ۱۳۹۷: ۱۱۱)

با توجه به تغییر رییس جمهور و انتخاب تیمی جدید بسیاری در داخل و خارج آمریکا منتظر بودند تا خطوط اصلی سیاست خارجی وی ارائه شود. اتفاقی که برای ایالات متحده و هم برای سایر کشورها حائز اهمیت است. (روح زنده، ۱۳۹۴: ۱۱۲)

اصول اعلامی سیاست خارجی بایدن

به نظر می‌رسد، با توجه به سخنرانی بایدن که در هفته گذشته در وزارت امور خارجه آمریکا انجام شد، خطوط اصلی سیاست خارجی (اعلامی و نه لزوماً اعمالی) آمریکا به طور خلاصه شامل موارد ذیل است: (Freidman, 2019: 74)

- بین‌الملل‌گرایی

سیاست خارجی آمریکا در دوره ترامپ متأثر از ناسیونالیسم آمریکایی و معطوف به شعار نخست آمریکا عدم تمایل به بین‌الملل‌گرایی داشت و از دید بسیاری این وضعیت باعث شد جایگاه هژمونیک آمریکا در نظام بین‌الملل مخدوش شود. بایدن در سخنرانی خود از بازگشت به بین‌الملل‌گرایی گفت و اعلام کرد که می‌خواهد آمریکا را به عرصه بین‌المللی بازگرداند. به زعم او: "آمریکا بازگشته است". معنی این سخن آن است که برخلاف دوره قبل، ایالات متحده به مسایل جهانی کماکان ورود خواهد کرد و در ایفای نقش پلیس جهانی باقی خواهد ماند. بایدن معتقد به بازیابی نقش آمریکا در

نهادهای بین‌المللی است. (احمدی، ۱۳۹۷: ۲۱۰)

- ائتلاف‌سازی و اجماع جهانی

دومین مولفه سیاست خارجی آمریکا در دوره بایدن تاکید بر ائتلاف‌سازی و بازسازی ائتلاف‌های قبلی و همکاری و هماهنگی با متحدان برای پیشبرد اهداف و سیاست‌های جهانی است. برخلاف دوره ترامپ که اصولاً آمریکا علاقه‌ای به ائتلاف و کنش‌های جمعی نداشت، بایدن تصمیم گرفته که ضمن بازسازی و احیای ائتلاف‌های قبلی آمریکا که به شدت در دوره ترامپ آسیب دید، برای رتق و فتق امور جهانی و حل مشکلات و چالش‌ها به همکاری با متحدان بپردازد. (اتاتویل و دیگران، ۱۳۹۸: ۲۴۰) به زعم بایدن: "ما ائتلاف‌های خود را بازسازی خواهیم کرد و بار دیگر با دنیا ارتباط خواهیم گرفت، نه برای بررسی چالش‌های گذشته، بلکه چالش‌های امروز و فردا". از نظر بایدن چالش‌های جهانی مانند کرونا، تغییرات آب و هوایی و اشاعه تسلیحات هسته‌ای، تنها با همکاری ملت‌ها قابل حل هستند و آمریکا به تنهایی از پس آنها برنمی‌آید. به قول او ائتلاف‌ها، بزرگترین دارایی آمریکا هستند. (ببران و پوررشیدی، ۱۳۹۸: ۱۰۶)

- سیاست خارجی دیپلماسی محور

بایدن تمایل زیادی داشت که نشان دهد سیاست خارجی در دوره او دیپلماسی محور خواهد بود. دلیل این امر را می‌توان در تقابل با دوره ترامپ ارزیابی کرد که به اخذ تصمیمات عجولانه و پیش‌بینی‌ناپذیر در سیاست خارجی مشهور بود. به نظر می‌رسد بایدن در تاکید بر این موضوع علاقمند است به دنیا نوید تاکید بر گفتگو، مذاکره و دیپلماسی در اتخاذ هر تصمیمی را بدهد و اینکه عصر تصمیمات و اقدامات آنی و دفعی به سر آمده است. (Friedman, 2018: 78) کما اینکه مجدداً تاکید می‌کند که دیپلماسی بازگشته است. هرچند این مولفه بیشتر در تثبیت بین‌الملل‌گرایی و ائتلاف‌سازی به کار می‌آید. رویکرد به نظام بین‌الملل و هماهنگی و همکاری در حل موضوعات جهانی قطعاً نیازمند سازوکارهای دیپلماتیک است. به عقیده بایدن دیپلماسی همیشه در تدوین سرنوشت آمریکا حیاتی بوده است. (Brzezinski, 2019: 196)

- دفاع از ارزش‌ها

بایدن نیز همچون اسلاف دموکراتش بر پیگیری و ترویج ارزش‌های آمریکایی و غربی در جهان تاکید کرد. آنجا که بر محافظت از ارزش‌های دموکراتیک آمریکا، دفاع از آزادی، دریافتن فرصت‌ها، تحقق حقوق جهانی، احترام به حاکمیت قانون و رفتار مطابق با شان و کرامت انسانی تاکید می‌کند و آنها را مزیت نسبی آمریکا می‌خواند. (ستاری، ۱۹۱: ۱۱۹۱)

دفاع از ارزش‌ها مشخص‌ترین موضع‌گیری را علیه کودتای نظامی در میانمار اتخاذ کرد، از سرکوب ناراضیان و هواداران ناولنی در روسیه به شدت انتقاد کرد، از ادامه خشونت‌ها در جنگ یمن انتقاد

کرد و از عزم آمریکا گفت که با دیپلماسی به دنبال پایان دادن به جنگ یمن و فاجعه انسانی آن خواهد بود. به همین دلیل ضمن تاکید بر حمایت از عربستان در مقابل حملات موشکی و پهپادی از توقف فروش تسلیحات به عربستان هم سخن گفت. (Katzman, 2018:5)

- مشخص کردن تهدیدها و دشمنان

بایدن در سیاست خارجی رونمایی شده‌اش به صراحت از تهدید چین و روسیه صحبت کرد تا دقیقا مشخص شود که همچون گذشته این دو کشور را کماکان تهدید ایالات متحده می‌داند. (Gokcan and Guney, 2018:29) اقتدارگرایی، بلندپروازی‌های روزافزون برای رقابت با آمریکا، عزم برای ایجاد اخلال و خرابکاری در دموکراسی، سوء استفاده‌های اقتصادی، اقدامات تهاجمی و قهری، و حملات علیه حقوق بشر و دارایی‌های معنوی و حکمرانی بین‌المللی از جمله اتهامات بایدن به چین بود. در خصوص روسیه نیز بایدن از صحبت شفاف با پوتین گفت که به او متذکر شده با سلف خود متفاوت است و اینکه روزهای کوتاه آمدن آمریکا در برابر تجاوزات روسیه در قالب مداخله در انتخابات، حملات سایبری، مسموم کردن شهروندان و ... به پایان آمده است. به گفته رییس جمهور آمریکا آن کشور در بالا بردن هزینه‌ها بر روسیه و دفاع از دوستان و منافع حیاتی تعلل نخواهد کرد. (Taylor, 2017:80)

- جایگاه ایران در سیاست خارجی اعلامی بایدن

برخلاف انتظار، ایران و موضوع برجام جایی در سخنرانی بایدن و رونمایی از سیاست خارجی‌اش نداشت. به نظر می‌رسد نام نبردن از ایران و برجام در این سخنرانی نشانه بی‌اهمیتی این موضوع از منظر بایدن نیست. بلکه اهمیت بالای این موضوع می‌طلبید تا ایالات متحده فعلا در این زمینه سخنی نگوید تا هم با چالش مخالفین داخلی خود در خصوص امکان بازگشت به برجام مواجه نشود و هم اینکه کماکان رایزنی‌ها و مشورت‌های خود را با متحدان اروپایی در برجام و متحدان منطقه‌ای و نیز اعضای کنگره در خصوص اتخاذ بهترین تصمیم ادامه دهد. (-Freidman, 2017:92) در عین حال به نظر می‌رسد بایدن قصد ندارد از امتیازات سیاست فشار حداکثری و تحریم‌های اقتصادی علیه ایران در دوره ترامپ استفاده نکند. در عین اینکه مترصد آن است که با اتخاذ تصمیمی هوشمندانه و دیپلماتیک امکان رسیدن به توافقی جدید با ایران بر سر مسایل موشکی و منطقه‌ای را هم کسب نماید. در این شرایط دیپلماسی چند وجهی هوشمندانه‌ای نیاز دارد تا بدون هیاهو و با استفاده از ظرفیت ائتلاف‌سازی به این هدف دست یابد لذا تمعدا فعلا اسمی از ایران نیاورد تا زمینه لازم برای اقدامات بعدی اش را دچار مشکل نسازد. (Guney, 2017:26)

نتیجه‌گیری

جو بایدن پیش از این، سیاست خارجی دولت آینده آمریکا را در یادداشتی تحت عنوان «چرا آمریکا باید دوباره رهبری (جهان) را برعهده بگیرد» در نشریه فارن افرز تشریح کرده بود. همچنین «ریچارد هاس»، رئیس شورای روابط خارجی آمریکا نیز در تازه‌ترین یادداشت خود در همین نشریه با عنوان «مرمت جهان»، سیاست خارجی دولت بایدن را در حوزه‌های راهبردی و ژئوپلیتیکی تبیین کرد.

درک کارگزاران جدید سیاست خارجی آمریکا و رئیس جمهوری منتخب این کشور مبتنی بر بازگشت پذیری راهبردی است. بازگشت‌پذیری راهبردی به فرایند و روندی در سیاست خارجی اطلاق می‌شود که روندها و زنجیره‌های رفتار راهبردی با اصل وارونه‌سازی به وضعیت گذشته باز-گردانده می‌شود. بازگشت‌پذیری راهبردی در واقع راهکاری برای مدیریت در شرایط عدم قطعیت و عدم تعادل است. در چنین وضعیتی کارگزاران سیاست خارجی تلاش می‌کنند برای انطباق با فقدان پیش‌بینی‌پذیری، رقابت‌پذیری و مدیریت آشوب در حوزه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی از الگوهای بازگشت‌پذیری راهبردی بهره بگیرند.

بایدن در تازه‌ترین سخنرانی خود درباره موضوعات مختلف سیاست خارجی با رد روندهای مخرب سیاست خارجی ترامپ، بر بازگشت‌پذیری در سیاست خارجی آمریکا (America is Back) تاکید کرد.

نشانه‌شناسی عناصر اجرایی و اعلامی کارگزاران سیاست خارجی آمریکا نشان می‌دهد که محور سیاست خارجی دولت بایدن بازگشت‌پذیری به روندها و ابزارهای گذشته، بازدارندگی - مهار از طریق چندجانبه‌گرایی، اجماع‌سازی، ائتلاف‌سازی و بین‌المللی‌گرایی خواهد بود. انتخاب تیم امنیت ملی دولت بایدن یعنی «انتونی بلینکن» نامزد وزارت امور خارجه، «جیک سولیوان» مشاور امنیت ملی و حضور «جان کری» وزیر امور خارجه دولت «باراک اوباما» به عنوان نماینده ویژه رئیس‌جمهوری در توافق پاریس نیز موید چنین مسیری است.

اما پرسش مهم در این میان نوع نگاه دولت بایدن و سیاست خارجی احتمالی دولت آینده در قبال ایران است. سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران اساساً در چارچوب شیفت راهبردی یا دگردیسی جامع تبیین نمی‌شود و اصول و ادراک راهبردی کارگزاران سیاست خارجی آمریکا در چارچوب بازگشت‌پذیری راهبردی با راهبرد مهار و محدودسازی معنا یافته است. ترجمان چنین راهبردی در سیاست خارجی ترامپ با سیاست فشار حداکثری اجرایی شد اما سیاست خارجی دولت بایدن مبتنی بر نقش‌یابی راهبردی در مقابل ایران و بازسازی ائتلاف‌های راهبردی خواهد بود.

همچنین دولت بایدن نیز تلاش خواهد کرد تا با بهره‌گیری از الگوی بازگشت‌پذیری راهبردی مولفه‌هایی ترکیبی از سیاست فشار حداکثری ترامپ همچون حفظ تحریم‌ها به ویژه تحریم‌های اولیه همراه با کاهش وزن راهبردی و ژئوپلتیکی ایران در حوزه‌های منطقه‌ای همراه با سیاست خارجی دولت باراک اوباما در چارچوب اجماع‌سازی را دنبال کند.

در فرجام می‌توان تاکید کرد مطلوبیت‌های راهبردی و کنش راهبردی دولت بایدن با مدل تکوینی یعنی ترکیبی از سیاست‌های پیشینی و سیاست‌های کنونی در اشکال فشار-تحریم-ائتلاف سازی-مذاکره راهبردی همراه با انتظارات و مطلوبیت‌های راهبردی جدید برای هزینه‌سازی راهبردی در قبال ایران خواهد بود.

بایدن در حالی وارد کاخ سفید شد که در آخرین روزهای ریاست جمهوری دونالد ترامپ، تنش میان ایران و آمریکا بطور قابل توجهی افزایش یافته است. آمریکا تحریم‌های بیشتری را علیه نهادها و چهره‌های ایرانی وضع کرده و اقدام تهران در توقیف نفتکش کراهی همچنین افزایش سطح غنی-سازی اورانیوم و انجام آزمایش‌های موشکی جدید، باعث شده نگرانی از وقوع درگیری جدیدی در منطقه خاورمیانه بار دیگر در سطح بین‌الملل تقویت شود.

جو بایدن در حالی سکان امور را در قدرتمندترین کشور جهان به دست گرفت که حتی پیش از واقعه حمله به کاپیتول نیز آشفتگی‌ها در داخل آمریکا، گمانه زنی‌ها درباره تضعیف جایگاه بین-المللی ایالات متحده حتی در امور خاورمیانه قوی بود. کشوری را تحویل گرفت که دچار اختلافات شدید سیاسی است، هزاران نفر در آن به دلیل ابتلا به کرونا در حال مرگ هستند و نرخ بیکاری همچنان بالاست. در چنین شرایطی اولین پرسش متحدان و منتقدان او این است که با توجه به مشکلات متعدد داخلی، این کشور تا چه اندازه می‌تواند روی هرگونه نگرانی خارجی از جمله موضوع فعالیت‌های هسته‌ای ایران تمرکز کند و آیا تعهدات بایدن (مانند آنچه در دوران ترامپ روی داد) توسط جانشینش لغو خواهد شد یا خیر.

اولویت اول بایدن در قبال مسأله ایران، از سرگیری مذاکرات است تا به توافقی برای حفظ امنیت بین‌المللی در قبال سلاح‌های هسته‌ای دست یابد؛ اما در این راه، هم با فشار دموکرات‌ها و هم جمهوری خواهان آمریکا روبروست. زیرا آنها نمی‌خواهند تا زمانی که نگرانی‌های اسرائیل و همسایگان عرب ایران در منطقه خلیج فارس درباره فعالیت‌های موشکی تهران، مداخلات این کشور در امور منطقه از جمله در یمن، لبنان، عراق و سوریه حل نشده، ایالات متحده اهرم تحریم‌ها را به دور بیندازد و بایدن قول داده که به همه این امور رسیدگی شود.

ریچارد گولدبرگ، مشاور ارشد بنیاد دفاع از دموکراسی که مشاور دولت ترامپ بود، معتقد است

قانونگذاران کنگره مانع از لغو تحریم‌های سپاه پاسداران و سایر بازیگران ایرانی که آمریکا آنها را حامی تروریسم می‌داند، خواهند شد. همچنین به نظر او بعید است که کنگره حاضر شود فشار-های مالی تحمیل شده بر ایران که با هدف جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای طراحی شده، لغو کند.

زمان آغاز هر اقدامی از سوی دولت بایدن برای از سرگیری مذاکرات با ایران نیز روشن نیست؛ بویژه آنکه تهدید ضمنی دولت او باما به اقدام نظامی علیه ایران در صورت تداوم برنامه هسته‌ای این کشور که ۵ سال پیش مطرح شده بود، اکنون با توجه به بحران‌های داخلی آمریکا چندان کارساز نیست. مشکلات اقتصادی امروز ایالات متحده بویژه دغدغه بایدن برای تامین حدود ۲ تریلیون دلار بودجه برای مقابله با شیوع کرونا نیز دیگر مشکل اساسی رئیس‌جمهور جدید آمریکاست و در چنین وضعیتی یک درگیری جدید در خاورمیانه، تنها اوضاع را برای او سخت‌تر می‌کند.

منابع فارسی کتب

- احمدی، حسین (۱۳۹۷)، *تحولات منطقه‌ای افغانستان (به مناسبت همایش بین‌المللی میراث مشترک مکتوب ایران و افغانستان)*، تهران، موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی
- تمنا، فرامرز (۱۳۹۷)، *سیاست خارجی آمریکا در افغانستان*، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی
- روح زنده، جمیله (۱۳۹۴)، *گذری بر تاریخ روابط سیاسی ایران و افغانستان (از اوایل قاجاریه تا ظهور پدیده طالبان)*، تهران، نشر صبحدم
- ژناروید اتوتایل، سیمون دالبی و پاول روتلج (۱۳۹۸)، *اندیشه‌های ژئوپلیتیک در قرن بیستم*، ترجمه محمدرضا حافظ‌نیا و هاشم نصیری، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی
- عزتی، عزت‌اله (۱۳۹۶)، *ژئوپلیتیک*، تهران، سمت
- قاسمی، فرهاد (۱۳۹۸)، *نظریه‌های روابط بین‌الملل و مطالعات منطقه‌ای*، تهران، نشر میزان
- ملکوتیان، مصطفی (۱۳۹۸)، *جغرافیا و سیاست*، قم: انتشارات حق یاوران
- هیل، کریستوفر (۱۳۹۷)، *ماهیت متحول سیاست خارجی*، ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی

مقالات

- صدیقه ببران و هاتف پوررشیدی (۱۳۹۸)، *بررسی دیپلماسی رسانه‌ای ایران در افغانستان پس از سقوط طالبان*، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال هجدهم، شماره اول، بهار
- بلوچی، حیدرعلی (۱۳۹۶)، *مطالعه تطبیقی سیاست خارجی آمریکا در افغانستان*، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۳۳
- حکمت نیا، حسن (۱۳۹۸)، *افغانستان هارتلند آسیا*، پیک نور، سال دوم، شماره اول
- ستاری، سجاد (۱۳۹۱)، *مداخله‌گرایی در افغانستان: ملاحظات و منافع راهبردی*، مطالعات منطقه‌ای: اسرائیل شناسی - آمریکا شناسی، جلد ۱۱
- سیدرحیم (یحیی) صفوی، عبدالمهدی شیخانی (۱۳۹۷)، *اهداف کوتاه مدت و بلند مدت ایالات متحده آمریکا در تهاجم نظامی به افغانستان*، فصلنامه جغرافیای انسانی، سال دوم، شماره سوم، تابستان
- شفیع، نوذر (۱۳۹۸)، *تبیین سیاست دولت نوین اوپاما در افغانستان و پاکستان (آف-پاک)*، فصلنامه روابط خارجی، سال دوم، شماره پنجم بهار

- محسن خلیلی، جهانگیر حیدری و هادی صیادی (۱۳۹۲)، پیوند کد و ژنوم ژئوپلیتیک در سیاست-خارجی (مطالعه موردی: افغانستان و ایران)، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره نخست، شماره نهم، پاییز
- مولایی، علیرضا (۱۳۹۶)، ۱۱ سپتامبر و شکل‌گیری ژئوپلیتیک جهانی، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۱۷ و ۱۸
- محمد واعظی، اسماعیل باقری (۱۳۹۸)، جایگاه افغانستان در سیاست خارجی آمریکا (با استفاده از نظریه ثبات هژمونیک)، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، ویژه افغانستان

English Resources

Book

- Friedman, Norman (2017), **Terrorism, Afghanistan and America's New Way of War**, Annapolis: Naval Institute Press
- Gukmen, Semra Rana (2018), **Geopolitics and the Study of International Relations**, Ankara: Middle East Technical University
- Taylor, P.J. (2017), **Political Geography World Economy, Nation State and Locality**, New York: Longman Scientific & Technical

Site

- Guney, Aylin and Fulya Gokcan (2019), **The 'Greater Middle East' as a 'Modern' Geopolitical Imagination in American Foreign Policy**", *Geopolitics*, 15, Available at: <http://www3.nccu.edu.tw>
- Katzman, Kenneth (2018), **Afghanistan: Post-Taliban Governance, Security, and U.S. Policy**, Congressional Research Service, Available at: <http://fpc.state.gov>